



رئیس ستاد بیرونی اطریش
 ژنرال گئراد فن هستدرف

در این منطقه، اطریشها قوای عمده ای جمع آوری کردند: یعنی از ۲۵۰،۰۰۰ الی ۳۰۰،۰۰۰ سرباز و توپخانه بیروندی.

در سال ۱۹۱۵، ایتالیاییها بواسطه و معایب سرحدات ۱۸۶۶ را، در نقاطی که برای آنها میسر و مقدور شده بود، بر طرف نموده بودند. در امتداد این سلسله کوهی به شکل نیم دایره وسیعی جلگه «وسی» (Vénétie) را از دریا چه «گارد» (Garde) نادریا محصور میسازد کلیه ارتفاعات تا آن تاریخ در اختیار

اطریشها بود. قوای ایتالیا در طول همین خط سرد طولانی بر اکنده شده بود. از تعرضی که در سمت «گوریتسیا» (Gorizia) تهیه شده بود، فقط مقدمانی وجود داشت. در ماه مارس، حمله محدودی بدون موفقیت در «ایزوستو» (Isonzo) اجرا شده بود.

طرح عملیاتی اطریشها طرح ساده ای بود که در روی نقشه بدین طریق خوانده میشد. شکاف حوض ایتالیاییها در منطقه کوههای «آلب لسی بین» (Alpes Lessiniennes) در سمت «ورن» (Vérone) و «ویسانس» (Vicence)، فرود آمدن در جلگه و بالتبعه قطع خطوط مواصلات قوای ایتالیایی که در «فریول» (Frioul) عمل میکند.

روز ۱۵ مه، از «رووردو» (Roveredo) تا «هت-آستیکو» (Haut-Astico)، تعرض شروع میشود.



ژنرال کادورنا

ایطالیائیها روی خطوط اصلی خود رانده شده «زویاترنا» (Zugna-Torta) و ناحیهٔ عالیای «پوزینا» (Posina) را رها میسازند، و در دره «آسا» (Assa) و دره «سوکانا» (Sugana) عقب نشینی مینمایند. روزهای بعد، حمله در مرکز توسعه مینماید | در سمت «آزیرو» (Asiero) و «آزیاکو» (Asiago) | در ۳۰ مه، «آزیرو» تسخیر شده و فقط چند کوهی اطربشها را از خاکه محرابیسازد. وسعت وحیم است و ماده کل بروی ایطالیا، ژنرال کادورنا

(Kadorna) یک ارتش احتیاط در منطقه «ویساس» (Vicence) تشکیل میدهد، برای اینکه در حالیکه به برد پردازد. پادشاه ایطالیا بر شخصاً به امپراطور روس مراجعه میکند، برای اینکه در عرض خود سریع کند. رئیس هیئت دوات و ماده کل بروی فراسه اقدام پادشاه ایطالیا را تأیید مینماید. مالتیجه برار روس حاضر میشود تاریخ عرض خود را حلو بیا دازد. از ایرووی، برهای بهیای بوجانه روس در ۴ ژوئن شروع میگردد. از آغاز عرض روسها که تابع اولیه حمله میشود میگردد، اطربشها عرض خود را در ایطالیا موقوف میدارند. در ۲۴ ژوئن، موضع های مقدمه خود را پی در پی تخلیه کرده و تا ردیکی نقطه عربت اولیه خود بازگشت مینمایند. مالتیجه ایطالیائیها بدون مجاربه موضعی از دست رفته خود را دیگر بار اشغال میکند.

جبهه روس (نقشه شماره ۳۱ - الف)

بطوریکه مسبقاً بر طبق تصمیم کنفرانس «شانتیلی» قرار بود که قوای متفقین در سال ۱۹۱۶ ضربت مشترکی در جبهات روس، ایتالیا و فرانسه به دول مرکزی وارد سازند.

بنا بر اظهار فرانسویها، کنفرانس مزبور در ۱۴ فوریه، آغاز حمله را در جبهه فرانسه روز اول ژویه، و در جبهه روس روز ۱۵ ژوئن مقرر داشت. فرماندهی روس راجع بتاریخ اجرای تعرض فقط در ماه آوریل اطلاع حاصل کرد و لذا مدت آمادگی جبهه روس برای تعرض تدریجاً تغییر پیدا میکرد و تعرض مزبور نیز بمناسبت وضعیت وخیمی که ایتالیاییها در اثر فشار اطریشیها دچار شده بودند، زودتر شروع گردید.

بالاخره تعرض مزبور پس از تغییر زیاد در اوایل ماه ژوئن شروع شد.

نقشه طرفین

در شورای قرارگاه کل روس در ۱ آوریل نقشه ای اتخاذ شد که بموجب آن تعرض در تمام جبهات غربی روس شروع میگردد؛ ضربت اصلی را جبهه غرب روس وارد میساخت؛ جبهه جنوب غرب دو هفته قبل از سایرین شروع بحمله مینمود، که قوای دشمن را بسمت خود جلب کند و اجرای ضربت را در شمال «پولسیه» تسهیل نماید.

دول مرکزی در نظر نداشتند که در این تابستان در جبهه شرق بمحایات تعرضی مبادرت کنند.

علاوه بر این تصمیم دول مزبور بر روی جبهات ذیل بود:

- ۱ - بواسطه قابلیت جنگی ارتشهای روس که در طی تعرض ماههای دسامبر و مارس بروز دادند و معلوم شد که دول مرکزی در سال ۱۹۱۵ موفق نشده بودند آنرا کاملاً متزلزل سازند.
- ۲ - بواسطه اختلالی که در ارتش اطریش ایجاد شده بود و رو بتوسعه میرفت.
- ۳ - بواسطه نامعلوم بودن رویه دولت رومانی،

۴ - بواسطه نگرانی که آلمانها در قبال فضای لایتناهی روسیه و فقدان راهها و جاده‌های قابل در آن کشور حاصل نموده بودند (یادداشت‌های فالکن هاین) .

اوضاع طرفین

طرفین همان مناطقی را تحت اشغال داشتند که در زمستان در آنجا مستقر شده بودند .

ارتشهای روس سمتهای معینی را بقرار ذیل میپوشاندند :

۱ - جبهه شمال : سمت « پترو گراد » را میپوشاند و از دریا تا « ویدزی » بطول ۳۴۰ کیلومتر امتداد داشت ، (رود « دوینا » از قسمت بیشتر آن عبور میکرد) و عبارت بود از ۱۳ سپاه و ۷ - ۸ لشکر سوار (قریب ۴۷۰ هزار سرباز) که در سمت « نوکوم » (۳ سپاه) و در سمت « بوآلکساندریا » (۴ سپاه) متمرکز بود .

۲ - جبهه غرب : سمت « مسکو » را میپوشاند ، و تا « پینسک » (Pinsk) بطول ۴۵۰ کیلومتر امتداد داشت و عبارت بود از ۲۳ سپاه و ۵ - ۷ لشکر سوار (قریب ۷۵۰ هزار سرباز) و در سمت « اسوتسیان » (۹ سپاه) و در سمت « ویلنا » (۷ سپاه) متمرکز بود .

۳ - جبهه جنوب غرب : ۱۹ سپاه و ۱۱ - ۱۲ لشکر سوار (قریب ۵۰ هزار سرباز) « اوکراین - کیو - ادسا ، (Ukraine-Kiev-Odessa) را در جنوب « پولسیه » در جبهه ۴۵۰ کیلومتری میپوشاند و قوای خود را تقریباً بصورت مساوی در تمام جبهه تقسیم کرده بود .

ارتشهای متحدین نیز بنا باقتضای اهمیت سمتهایی که لازم بود پوشانند بچند گروه تقسیم شده بودند .

در انتهای جناح راست راههای سمت مجارستان و گالیسی را (تقریباً از سرحد رومانی تا دوبنو Dubno) به ارتش آلمان و اطریش فرماندهی

آرشیدوک فردریک میوشاندند. راههای جنوبی لهستان را، بین «دوبنو وینسک» (Dubno - Pinsk) ارتش آلمان فرماندهی ژنرال لیسین گن، تحت فرماندهی کل اطریشها، میوشاند، معابر شمالی بطرف لهستان از «پینسک» تا رود «نمان» بوسیله گروه پرنس لئو بلد باویر پوشیده میشد، و بالاخره راههای بسمت «لیتوانی» (Lithuanie) و پروس شرقی را گروه هیندنبورگ میوشاند. مشارالیه با عنوان فرمانده کل شرق ۳ ارتش آلمان را در اختیار داشت.

کلیه دول مرکزی در جبهه شرق دارای ۱۲۷ لشکر پیاده و ۲۱ لشکر سوار بودند که تقریباً ۱/۳ آن قوا در شمال «پولسیه» واقع بود و در سمتهایی که حملات روسها در ماه مارس جریان داشت یعنی در سمت «ویلنا» و «ریگا» تمرکز یافته بود، و قریب ۲/۳ در منطقه وسیع جنوب «پولسیه» استقرار داشت.

بدیهی است که روسها فوق عددی داشتند. فالکن هاین تعداد نیروی روس را در شمال رود «پریپیت» (Pripiet) به ۶۰۰ هزار سرباز بالغ میدانند. اگر نقصان بزرگ روسها از حیث توپخانه سنگین بآن علاوه شود، و مواضع مستحکم ارتشهای دول مرکزی که با بتون ساخته شده بود در نظر گرفته شود، شایعات راجع به نمرض روسها، در سال ۱۹۱۶، فضای تقریباً خالی تکذیب خواهد شد. روسها قسمت بیشتر قوای خود را در خط اول، و آلمانها در احتیاط نگاه میداشتند.

جریان عملیات

تمام عملیات را ممکن است بسه مرحله تقسیم نمود:

۱ - شکافتن جبهه آلمان و اطریش، ۲ - توسعه آن شکاف، ۳ - محاربات

کنار «استوچود» (Stochod) با قوای احتیاطی آلمان و پیشروی انتهای جناح چپ روس در همان موقع که مجارستان را مورد تهدید قرار میداد.

رویه فرماندهی عالی طرفین نسبت بجریان عملیات تأثیر میبخشید. راجع بارتشهای متحدین ما قبلاً شرح دادیم. در این حدود فرماندهی عالی آلمان و اطریش مشترکاً عملیات میکردند یعنی طبیعتاً در هدایت عملیات اختلافاتی

زیادی در سمت «لامبرگ»، روز ۷ ژوئن ارتش ۸ بطرف رود استیر، (Styr) تقریباً بخط کولکی-ناووز-لونسک (Kolki-Navoz-Luzk) پیشرفت.

استفاده از شکاف (نقشه شماره ۳۱ الموب)

هنگامیکه رو-ها بشکافتن جبهه دشمن موفق شدند، جبهه جنوب غرب آنها دچار وضعیت خاصی گردید. قوای احتیاطی بمصرف رسیده بود، ارتشها تلفات سنگینی داده بودند، ارتش ۸ که پیشرفت خود را بیشتر توسعه داده بود بی اختیار در دو سمت متضاد (یعنی بجانب کول و لامبرگ) کشیده شده بود و در سمت «لامبرگ» ارتش همجوار آن یعنی ارتش ۱۱ با مقاومت سختی مواجه گردید و نمیتوانست بنهایی پیش برود. توده سوار نظام، با پاهی که در نزدیکی «رافالووکا» (Rafalovka) واقع بود در يك نقطه در جا میزد و نمیتوانست دشمن ضعیف را بعقب رانده و پشت سردشمن حمله کند. اینک یادآور میشویم که قرار بود صرت اصلی را جبهه غرب روز ۱۱ ژوئن وارد سازد، لذا بروسیلف نمیتوانست سمت «کول» را که وسیله ارتباط او با قوای ژنرال اورت (Everth) میگردد بدون توجه بگذارد.

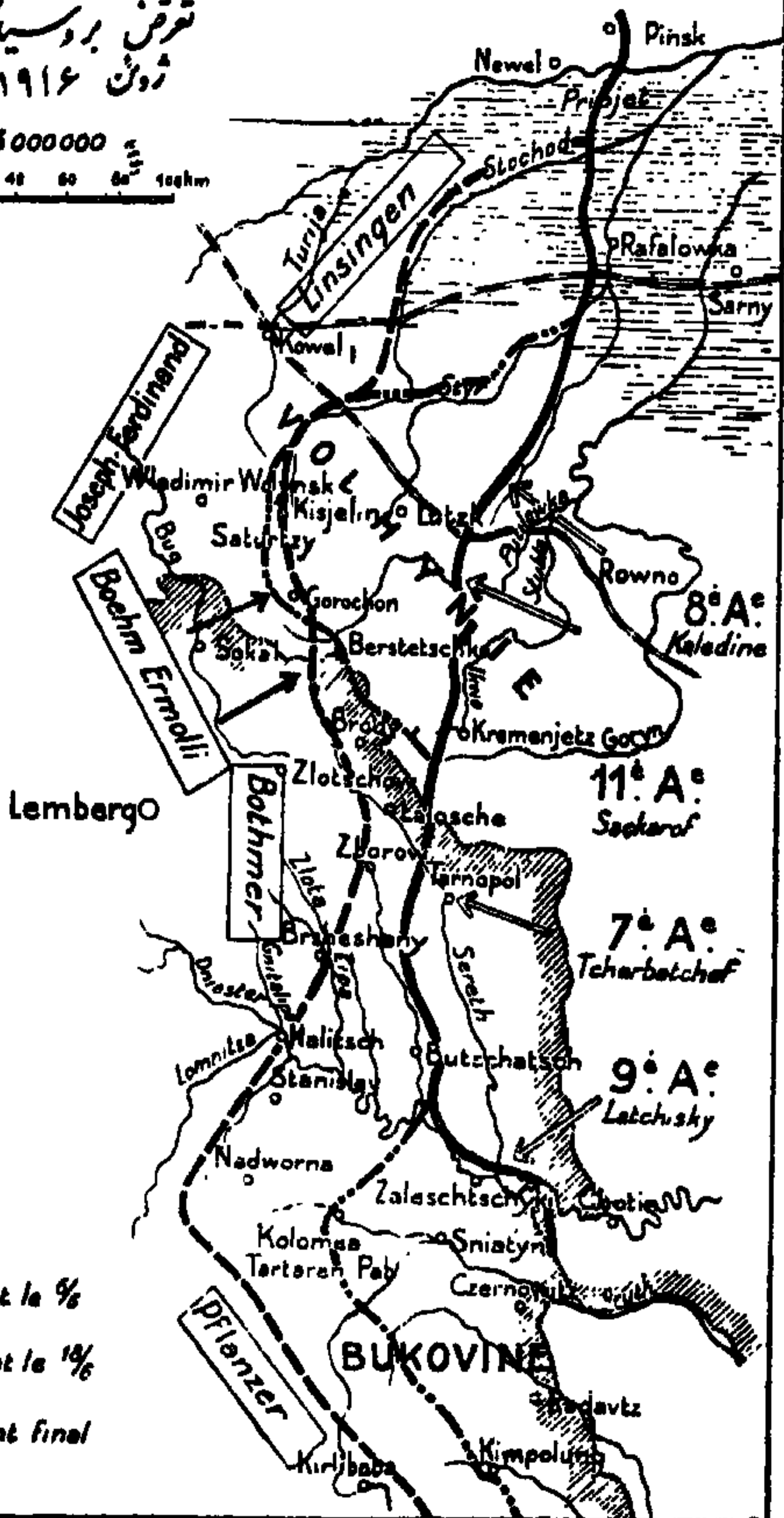
بروسیلف با موضوع خیالی مهمی مواجه شده بود یعنی که موفقیت ارتش ۸ را در کدام سمت مورد استفاده قرار دهد؟ در سمت «کول» یا در سمت «لامبرگ»؟ اگر توده سوار نظام موفق میشد در سمت «کول» شکافی ایجاد کند و یا اگر ژنرال اورت (Everth) حقیقه روز ۱۱ ژوئن حمله خود را شروع می نمود آنوقت وضعیت جبهه جنوب غرب از احاطه سوق قوای عمده جناح راست آن برای عملیات در سمت «لامبرگ» بخودی خود روشن میگردد.

ولی توده سوار نظام پیش رفت، و ژنرال «اورت» تعرض خود را به تعویق میانداخت، و عاقبت هم اجرا نکرد، و بطوریکه بعداً خواهیم دید با اجرای فشار جزئی بعرف «بارانویچی» (Baranowitshi) قناعت نمود، و بروسیلف بی اختیار مجبور بکشیدن ارتش ۸ بدو سمت گردید: یعنی سمت «لامبرگ» (که ارتشهای ۱۱ و ۷ با کمال سستی پیش می رفتند و دائماً محتاج بکمک بودند) و سمت «کول» (Kowel)

تقریر بر وسیف
شون ۱۹۱۶

1/3000000

0 20 40 60 80 100km



که نقطه تقاطع راههای حمل قوای احتیاطی آلمان بود .
تمام مساعی سخت ارتش ۸ روس در مرحله کامیابی توسعه شکاف ، صرف تمایل
بدوست متضاد گردید .

اگر در این حدود قوای احتیاطی نیرومندی تمرکز مییافت آنوقت مسئله
بسهولت حل میشد ، وای قوای احتیاطی وجود نداشت ، و آنچه از سایر جبهات
میفرستادند خیلی ناقابل بود . ایجاد شکافی که روسها بدون مقصود معین
استراتژیک و بدون تمرکز قوای مهم احتیاطی شروع نمودند بالاخره محکوم بعدم
پیشرفت گردید .

ژنرال آنکسیف بموجب دستور ۹ ژوئن سمت ضربت اصلی جناح راست جبهه
غرب را از « لوتسک » بسمت « راوا روسکا » (Rawa-Ruska) مقرر داشت ،
بدین طریق سمت « کول » را در واقع سمت فرعی محسوب نمود و لذا قوای
احتیاطی که ارتش ۸ میفرستاد بجناح چپ آن اعزام میگرددید نه بجناح راست آن .
بمناسبت نردید فکر استراتژیک فرمادهی جبهه جنوب غرب و قرارگاه کل و در
اثر صدور احکام متضاد که به ارتش ۸ صادر میشد و گاهی مقرر میگرددید فشار
خود را بطرف « کول » و گاهی امر میشد که بجانب « لامبرگ »
وارد سازد ، روز ۱۴ ژوئن میزان شکاف جبهه جنوب غرب فقط بخط ذیل
محدود گردید :

در شمال از « چارتوریک » بدون حرکت ؛ در جنوب آن در سمت
« کول » در خط رود « استیر » از « کلکا » تا « ریشجه » و بعد بسمت قریه « نورچین »
(Tortchine) در سمت « لامبرگ » از « نورچین » به طرف « رادزیویلو و »
(Radzivillov) و بعد بجانب « نوآلکسیتس » (Nowo-Alexinetz) . بین
این نقطه اخیر و « بوچاچ » جبهه بدون تغییر ماند ، در جنوب « بوچاچ » جبهه
بطرف « دولینا » (Dolina) ، (کنار رود دنستر) و بطرف « اسناین » و
« چرنونسی » پیشرفت . یعنی موفقیت بیشتری در سمت « لوتسک » (Luzk) بدست آمد ،

چه در آنجا عمق شکاف به ۶ کیلومتر رسید .

گرچه آماها شکاف بروسیاف را بطور تمسخر اکتشاف مفصل نایند مع هذا ضربتی که باطریشها وارد آمد و اختلائی که در اثر شکاف در ارتش آنها تولید شد تاثرات شدیدی نسبت با آنها بحشید .

آماها نزدیدی داشتند که بدون کمک و پشتیبانی مؤثر آنها اطریش قادر بمقاومت بوده و قطعاً از یاد رخواهد آمد و شکاف جدید روسها بسمت «جارجستان» ویا نهیدید جدید آنها به «سپاری» برای آنها غیر قابل تحمل بود زیرا که باعث تسرع در تحویل قوه ای دولت مرکزی میگردد .

باین حجه آماها تمام فوای احیاطی خود را بحاها ای شکاف سوق دادند ، فوای مرده در آنچه از سایر نقاط حجه روس و چه از حجه فراسه (۳۴ اشکر) برداشتنده و اطریشها حملات خود را در حجه ایطالیا موقوف نموده و همچنین فوای سه سمت حجه روس متوجه ساختند . دولت مرکزی فرست کردید که فوای خود را بر داده و به سیاه ماور مقابل ماور روسها پاسخ دهند ، لذا آنها فوای خود را مانند روسها حجه بحمل شکافها سوق میداد و چون از راه آهن استفاده میکردند سریعتر از روسها میرسیدند .

حجیت ۴ - ۵ اشکر آلمان نامه ازترین فوای اطریش در نزدیکی «کول» (Kowel) تمرکز یافت و بعد فوای مزبور در سمت جنوب شرقی اقدام بحمله نمود .

بروسیاف همواره منتظر آغاز حملات برال اورت بود و با ملاحظه مواعد مقررده حجه امرص آن هم روزی نازش ۸ د... در جدیدی صادر میگردد که گاهی جنبه تعرضی و گاهی جنبه تدافعی داشت .

وای حجه عرب روس بحضی مرتس شدید و وارد ساحتن ضربت اصلی که بر طبق دستور مقررده مأمور اجرای آن بود ، هوژدر نزدیک میگذراید و اجرای ضربت را بتعویق میانداخت و بالاخره ۱۵ ژوئن فقط بوسیله يك سپاه گرنادیه ، درست «بارا نوویچی»

اقدام بتعرض نمود و حمله مزبور در جبهه عریضی بعمل آمد و بعدم کامیابی منتهی گردید. پس از آن «اورت» (Everth) شروع تقسیم بندی جدیدی نمود، و امیدوار بود که در همان سمت بوسیله ۸ سپاه ضرت وارد آورد، ولی اجرای ضرت مزبور زودتر از ۳ ژوئن میسر نبود. ولی بایستی خاطر نشان کرد، که آلمانها از سربشی که جبهه غرب روس متوجه آنها ساخته بود خیلی متوحش بودند لذا از قوای متمرکز آنها برای اعزام بجنوب کسر میگردید.

در هر صورت جبهه جنوب غرب روس باز هم موقتاً تنها ماند، و آلمانها قوای بزرگی در بریدکی «کول» مجتمع ساخته و روز ۱۷ ژوئن مرکز ارتش ۸ روس را مورد حمله قرار دادند؛ حمله آلمانها دفع شد ولی تعرض به دی روسها هم سمت «کول» موفق گردید.

در خاتمه آن اوقات در انتهای جناح چپ جبهه جنوب غرب (ارتش ۹) عملیات جنگی توسعه مییافت. سمت تعرضی او بطرف کارپات در ارتش ۹ عملیات جناح راست و سکوت مرکز نزدیک بمحاطره میگرددید. لذا ۲۲ ژوئن به ارتش ۹ امر شد بسمت «استاسلاو-هالیچ» (Stanislau - Halitsch) پیشروی کند، این موضوع عملیات ارتشهای ۹ و ۷ را مرتبط میساخت و موفقیت در آن حدود ممکن بود بوضعیت کول، (Kowel) بیرونآید.

تصمیم جبهه غرب روس برای ادامه مقارن ۳ ژوئیه تعرض در سمت «نارائوویچی» بروسیاف را مجبور کرد که مجدداً عملیات خود را «صرف کول» توسعه دهد. لذا روز ۲۵ ژوئن او دستور میسازد که «موجب آن ارتش ۳» (از جبهه غرب باو داده شده بود) ایستی بوسیله جناح چپ خود (در ناحیه پینک) برای تصرف ارتفاعات «گورودوک» - «ماویچی» - «کالوژیا» اقدام بعمل نماید؛ ارتش ۸ ضرت اصلی را بطرف «کول» و ضرت فرعی را بجناب «ولادیمیرولینسک» وارد میاورد. ارتش ۱۱ ضرت اصلی را بطرف «بردی» (Brody) و ضرت فرعی را بجناب پوریتسک (Poritsk) ارتش ۷: بطرف «برژزانی» - «موانتیر ژسکو» و ارتش ۹: بطرف «هالیچ» - «استاسلاو».

بدین طریق، فرار بود که در آغاز ماه ژوئن حملات مقارن جبهه غرب و جنوب غرب شروع شوند.

بطوریکه مسبقاً، ژنرال اورت تصمیم گرفت که ضربت را بوسیله ارتش ۴ (۸ سپاه پیاده و ۳ سپاه سوار) در سمت « بارانویچی » (Baranowitshi) در جبهه « کورودیشجه-بارانویچی » وارد سازد در موقعیکه سایر ارتشها بعمليات اغفالی میپرداختند. ۲ ژویه این حمله شروع شد.

چون ارتش روس دارای معایب بخصوص ذیل بود :

۱ - عدم قدرت در تهیه زمینه حمله بوسیله آتش توپخانه ، ۲ - بکار بردن بیمورد قوای احتیاطی نزدیک ، ۳ - توقف و سکوت بی جهت صف قوا درحالی که صف دیگر در حملات منفرد بی تمر تحلیل میرفت - باعث شد که معایب مزبور نتایج خود را به بخشد. ارتش ۴ در مدت ۹ روز ۸۰ هزار تلفات داد و فقط در دو نقطه قدری پیشرفته و بعد حملات خود را قطع نمود.

جبهه جنوب غرب روز ۳۰ ژوئن در برابر حملات متقابله آلمانها در تمام جبهه مقاومت کرد، و روز ۵ ژوئن خود اقدام بتعرض نمود. ارتش ۸ ، که بوسیله دو سپاه تقویت شده بود روز ۸ ژویه بوسیله جناح راست خود دشمن را عقب راند ، و پیشرفت جناح چپ ارتش ۳ را تسهیل نمود و مقارن ۱۴ ژویه هر دو ارتش خط رود خانه « استوخود » (Stochod) را از « لوناشو » تا راه آهن « کول - لونسک » اشغال کرد ، و بعضی نقاط ساحل چپ آرا نیز در دست نگاهداشت.

آلمانها حملات مزبور را در شمال « لونسک » و خیم ترین مرحله عملیات مزبور محسوب میداشتند زیرا دیگر وسیله ای برای جلوگیری از روستها در آن حدود نداشتند. ولی در عقب ارتش ۸ روس قوای احتیاطی دیگری وجود نداشت ، ارتش مزبور مجبور بود که تا تقسیم بندی جدید حملات خود را قطع کند و بدین واسطه ۲ - ۳ هفته وقت غیر قابل جبران به آلمانها بخشید.

ارتشهای ۱۱ و ۷ روس حتی در این حمله عمومی باز هم در يك محل متوقف بودند، و ارتش ۹ روس تا ۱۴ ژوئیه بخط «د لینا - دلاین - تارتارو» پیشرفته و با ارتش ۷ داخل ارتباط شد و يك سپاه سوار او در «کارپات» نزدیک «سلتین» قرار گرفته بود.

اینک توسعه شکافی که روسها ایجاد کردند بهمین اندازه خاتمه یافت، زیرا فرصتی که به آلمانها داده شد باعث گردید که آنها توانستند جمع شده و کنار «استوخود» (Stochod) مواقع خود را مستحکم سازند، و بعداً عملیات صورت مستقلى بخود گرفت و عبارت بود از يك سلسله نبردهای کنار «استوخود» در جناح راست جبهه جنوب غرب روس و تعرض ارتش ۹ روس در جناح چپ آن.

قسمت اول محاربات کنار «استوخود» (نقشه شماره ۳۱ الفوب)

روز ۹ ژوئیه قرارگاه کل روس تصمیم گرفت که قوای عمده را در جبهه جنوب غرب جمع کند و در شمال «پلسیه» فقط بعملیات فرعی مبادرت ورزد. باین جهت قوای گارد، قوای احتیاط استراتژیک فرماندهی کل، ۲ سپاه پیاده و ۱ سپاه سوار، از جبهه غرب روس بناحیه «لوتسک» رویشجه «انتقال می یابد. بجهه شمال امر شد که در سمت «باوس» حمله کند، و بجهه غرب امر گردید که بعملیات نمایشی مبادرت نماید و بجهه جنوب غرب امر صادر شد که «کول» را تصرف کند و در پشت سر گروه «پنسک» دشمن - عملیات نماید.

جبهه شمال، ۹۱ گردان در ناحیه ریگا تمرکز داده، و از ۱۶ ژوئیه از آنجا بجهه «اکاو - نیکوت» (Ekkau-Neygoute) اقدام به تعرض نمود. شدیدترین حملات تا ۲۳ ژوئیه دوام داشت، و ای در وضعیت استراتژی طرفین تغییری حاصل نشد و آن حملات موقوف گردید.

حملات مزبور در جهات شمال و غرب روس توفیق نیافت و فقط باعث شد

آلمانها متوجه شوند که در شمال « پولسیه » نبایستی منتظر عملیات مهمی باشند و متعاقب آن با آسودگی خاطر مشغول اعزام قوای احتیاطی خویش از آنجا بسمت جنوب گردیدند .

پیشروی قوای روس بسمت « استوخود » آلمانها را مجبور ساخت که علاوه بر انتقال تدریجی قوای احتیاطی از شمال و از جبهه فرانسه ، اقدامات دیگری نیز بعمل آورند . فرماندهی هیندنبرگ بسمت جنوب تا « برودی » (Brody) منبسط گردید ؛ در گروه ارتشهای اطریش ریاست ستاد بمهده یکنفر ژنرال آلمانی محول شد و سه لشکر اطریش و آلمان ، که در لهستان تشکیل یافته بودند ، بسمت « کول » اعزام گردیدند .

در نیمه ماه ژویه قوای گارد روس بنزدیکی « اونسک » رسید و باتفاق دو سپاه ارتش ۸ تشکیل ارتش مخصوصی بنام ارتش « بزاوبرازوف » (Bezobrazov) داده و در بین ارتشهای ۸ و ۳ قرار گرفت .

۲۸ ژویه تعرض جدید جبهه جنوب غرب شروع شد . ارتش ۳ (۱ و ۴ سپاه پیاده و ۱ سپاه سوار) قرار بود که از سمت مشرق و شمال به « کول » حمله کنند ؛ ارتش بزاوبرازوف (۴ سپاه پیاده و ۱ سپاه سوار) قرار بود که به « کول » در طرفین راه آهن « رونو - کول » (Rowno-Kowel) از طرف جنوب حمله نمایند ؛ ارتش ۸ مأمور بود که « ولادیمیر و لانسک » را تصرف نماید ؛ ارتش ۱۱ مأموریت داشت که بسمت « بردی - لامبرگ » (Brody-Lemberg) پیشروی کند و ارتشهای ۹ و ۷ مأموریتهای سابق را انجام دهند .

کلیه تعرض روسها در کنار « استوخود » عبارت بود از یک سلسله حملات به ننگه های مستحکم باطلاقی که پس از چهار روز بدون آنکه نتیجه مثبتی از آن حاصل شود قطع گردید . در جنوب سمت « کول » و « ولادیمیر و لانسک » ارتش ۱۱ « بردی » را تصرف کرد ، و ارتش ۹ پیشروی را بسمت « استانیسلاو » ادامه میداد .

آلمانها بزحمت توانستند در مواضع خود استقامت کنند و مجبور شدند که حتی آخرین قوای احتیاطی سوارخویش را نیز بمصرف برسانند.

روز ۹ اوت ارتش ۳ و ارتش بز او بر ازوف مجدداً آلمانها را کنار «استوخود» مورد حمله قرار دادند، ولی حمله آنها با عدم موفقیت مواجه گردید. آلمانها بنوبه خود فرسوده شده بودند، برای دفع حمله مزبور آنها مجبور برداشت يك لشکر از «میتاوا» (Mitau) گردیدند.

آلکسیف روز ۱۱ اوت ارتش ۳ و ارتش بز او بر ازوف را به ژنرال راورت واگذار کرد و باو امر داد بسمت «کول» پیشروی نماید.

راورت حمله را به روز ۱۷ اوت مقرر داشت، ولی بعد تدریجاً آنرا بتعویق می انداخت، روز ۲ سپتامبر گزارش داد که بنصابت انقضای فصل مساعد، اجرای عملیات در باطلاقیهای «استوخود» غیر ممکن است، و روز ۴ سپتامبر عملیات «کول» موقوف گردید. طرفین در آن حدود وضعیت سابق خود را محفوظ داشتند.

عملیات در قاضیه کارپات (نقشه شماره ۳۱ ب)

ارتش جناح چپ جبهه جنوب غرب (ارتش ۹) قرار بود، بطوریکه مسبقاً، هنگام تعرب عمومی جبهه، بسمت کارپات پیشروی کند. ولی در آخر ژوئن معلوم گردید که پیشروی يك ارتش بتنهائی بسمت غرب، بامعطلی مرکز، خطرناک است، لذا ارتش مزبور بسمت شمال غرب یعنی بجانب «استایسلاو» اعزام شد که با ارتش ۷ همجوار داخل ارتباط کامل گردد؛ ارتش مزبور از جانب کارپات تحت پوشش ارتش ۱۱ و سپاه ۳ سوار بود که در احیه «دلیاتین - کرای بابا» (Deliatin - Kirlibaba) مشغول عملیات بودند.

در ماه ژوئیه و اوت ارتش ۹ روس با کمال موفقیت پیشروی میکرد و روز ۷ اوت بخط «نیزینو - تلوماچ - دلیانین» رسید که قرار بود روز ۹ اوت باتفاق تمام جبهه جنوب غرب بآن حمله نماید.

این پیشروی روسها در ناحیه کارپات فرماندهی آلمان را متوحش نمود مخصوصاً در این موقع که انتظار الحاق رومانی بمتفقین نیز میرفت . آلمانها يك لشکر از مقدونیه (Macédoine) بطرف «تلوماچ» و يك لشکر از جبهه فرانسه بطرف کارپات اعزام داشتند و شروع به تمرکز ارتش جدید اطریش در این حدود نمودند .

آلمانها نخست در نظر داشتند که در این حدود قوای احتیاطی را تمرکز دهند و برضد ارتشهای ۹ و ۷ روس اقدام بحمله متقابل نمایند . ولی توسعه سریع پیشرفت ارتش های مزبور روس آلمانها را مجبور ساخت که از تمرکز قوای احتیاط چشم پوشیده و قوای مزبور را بسمتهای مورد تهدید جزء به جزء اعزام دارند .

در سمت «استانیسلاو» قوای احتیاطی آلمان توانست وضعیت را نجات دهد و ارتش ۷ و ۹ روس در مدت ماه اوت سریعاً بخط «برودی - پدکابیتسی - استانیسلاو» دایمین «پیشرفتند، و دشمن با نهایت بی نظمی عقب نشست .

ولی در کارپات اطریشی ها سپاه جناح چپ ارتش ۹ (سپاه ۱۱) و سپاه سوار روس را عقب راندند «شیبینی» (Chibeni) و «یابلوویتسی» (Yablovitzi) را تصرف کردند .

بدین واسطه ارتش ۹ روس مجدداً مجبور شد که بدو سمت متوجه گردد : یعنی بطرف شمال بحاب «استانیسلاو» و بطرف جنوب بحاب «کارپات» .

مقارن نیمه اوت قرارگاه کل عملیات سمت «کول» را بجبهه غرب واگذار کرد ، و فقط عملیات در سمت «لامبرک» و کارپات را بعهده جنوب غرب محول نمود ، و این موضوع توجه جبهه اخیر را ، که بوسیله دو سپاه دیگر تقویت شده بود ، فقط بسمت جنوب غرب و جنوب مغرب میساخت .

در خلال این اوقات جبهه روس با پیش آمد جدیدی مواجه گردید که وضعیت را تغییر میداد : چون دخول رومانی در جنگ به حمایت متفقین روز ۲۷ اوت مسلم گردید .

نتیجه

تعرض جبهه جنوب غرب روس نه فقط نسبت به عملیات جنگی سال ۱۹۱۶ مؤثر واقع شد بلکه نسبت به تمام جنگ تأثیر بخشید ، گر چه فواید آن عاید متفقین روسیه گردید و خود روسها استفاده‌ای از آن حاصل نکردند .

روسیه تمام ماه ژوئن را مثل این بود که برای ایتالیا تلاش میکند ، چون در آن موقع ایتالیا دچار مخاطره شدیدی گردیده بود . روسیه اطریش را نزدیک بهلا کترساند و برای این منظور وسایل جبهه جنوب غرب خود را بکاربرد ولی در وضعیت استراتژیکی خود او کمتر بهبودی حاصل شد . در ماه ژوئیه و اوت روسیه بوسیله عملیات خود کنار « استوخود » مقابل « بارانوویچی » (Baranowitschi) و در نزدیکی « ریگا » بمنقبت جبهه انگلیس و فرانسه تلاش کرده و فرماندهی آلمان را در شرق دچار مخاطره ساخت و او را مجبور به برداشت قریب به ۲۴ لشکر از جبهه فرانسه نمود .

روسیه در نتیجه عملیات خود نیروی جنگی خویش را فرسوده کرده و ذخائر ناچیز خود را به مصرف رساند و وضعیت استراتژی خویش را فقط در جناح چپ اصلاح و بهتر نمود .

اینطور بنظر میرسد متفقین روسیه از زمینه‌ای که تعرض روس برای آنها آماده کرده بود استفاده خواهند کرد ، ولی بطوریکه بعداً خواهیم دید باز هم ایجاد وحدت عمل میسر نگردید .

در اجرای عملیات معایب زیادی مشهود گردید :

۱ - فقدان وحدت فرماندهی ، نقشه واحد و اراده واحد برای اجرای آن .
قرارگاه کل تحت شعاع فرماندهان جبهات واقع شده بود ، چنانکه می بینیم وقتی ژنرال اورت نخواست ضربت اصلی را وارد سازد فرماندهی کل هم نتوانست او را مجبور باین امر نماید . هنگامی که یک ارتش درست « بارانوویچی » مشغول حمله بود ، جبهه غرب روس ، با داشتن یک تکت نیرو ، بمناسبت سکوت کامل بقیه جبهه ،

او هم در تمام مدت عملیات کاملاً ساکت ماند . بروسیاف تصمیم گرفت که استراتژی خود را برای ایجاد شکاف در جبهه وسیعی مورد آزمایش قرار دهد ، که بالاخره صورت خط نازکی بخود گرفت ، باوجود اصرار ژنرال آکسیف که مشارالیه قوای ضربت را جمع و در يك سمت تمرکز دهد ، معیناً بروسیاف استراتژی خود را بموقع عمل گذارد .

۲ - کسر و نقصان مهمات مانع از اجرای نقشه بدوی برای تعرض تمام جبهه گردید .

۳ - ایجاد شکاف بوسیله جبهه جنوب غرب فقط بمنظور حصول موفقیت ناکتیکي بدون تعیب هیچگونه مقصود استراتژی بود ، لهذا موقعی که شکاف ایجاد شد ، فرمادهی جبهه روس دچار بهت و بلا تکلیفی گردید که چه نقشه استراتژیکی را بایستی اجرا کند و بهمین جهت باطراف متوجه شد .

۴ - انتظار دائمی رسیدن قوای امدادی از جبهه غرب و فقدان قوای احتیاطی تأیر زبان آوری نسبت بعملیات استراتژی جبهه جنوب غرب ، هنگام استفاده از شکاف ، بخشید .

۵ - هدایت کامل عملیات از طرف جبهه جنوب غرب مشاهده میگردد : ارتشهای جناحی عملیات میگردد و ای ارتشهای مرکزی (۱۱ و ۷) درجا میزدند . مأموریت ارتشهای اخیر غیر متناسب بود چون مأمور بودند که با عدم تکافوی قوا اقدام بنمرس مروحه شکل نمایند .

۶ - ارتشهای جبهه غرب و شمال روس هنوز برای شکافتن منطقه نخیلی مستحکم ورزیده شده بودند .

۷ - قرارگاه کل و جبهه جنوب غرب نتوانستند از فواید ورود رومی در جنگ برای احاطه خطوط مستحکم دول مرکزی استفاده نمایند .

۸ - در هر صورت ، تعرض بروسیاف به فقط قوای روحی بلکه قوای مادی پیروی اطریش را بیز بکلی متلاشی ساخت ؛ علاوه بر مازومات جنگی روسها بالغ بر ۴۰۰ هزار نفر اسیر از اطریشها گرفتند .



نمبر آلمان ، هیتلر و لودنبرگ در قرارگاه پلس (Pless)

(مقاله صفحه ۱۵۱)

صحنه غرب

تعرض فرانسه وانگلیس در «سوم» (Somme) (نقشه شماره ۲۲)

مطابق نقشه تعرضی که متفقین در شانتیلی (Chantilly) طرح ریزی نموده بودند، تعرضات متفقین میبایستی متعاقب یکدیگر اجرا شوند، آنها با سرعتی که نقل و انتقال قوا را از جبهه‌ای بجهت دیگر برای آلمانها ممتنع سازد. در تاریخ یکم ژوئیه، تعرض «سوم» شروع می شد. بعد از «وردن»، از نقشه بدوی چه چیزی باقی میماند؟

این حمله، تعرض متقابلهای نبود. راست است که حمله مزبور مانند تعرض متقابلهای نمودار گشت، ولی تصمیم اجرای چنین حمله‌ای قبل از نبرد «وردن» اتخاذ گردیده بود. حمله مذکور میبایستی در جبهه‌ای با امتداد ۷۰ کیلومتر اجرا گردد: یعنی از «سوم» تا «لاسی بی» (Lassigny)، (در امتداد ۴۳ کیلومتر) بدست فرانسویها، و از «هوبرترن» (Hébuterne) تا «سوم»، (در امتداد ۲۷ کیلومتر) بدست انگلیسها. از لحاظ وسائل کار نیز چنین مقرر شده بود که در صورت حفظ ابتکار عملیات، فرانسویها با ۳۹ لشکر پیاده نظام و ۱۷۰۰ توپ سنگین وانگلیسها اقلأ با ۲۵ لشکر حمله نمایند.

ابتدای نبرد «وردن»، تحدید طرح را ایجاب نکرد. در ۱۶ مارس، جبهه حمله که پیش بینی شده بود تا ۸ کیلومتر دیگر، در جنوب «لاسی بی» (Lassigny) امتداد داده شد. ولی از همان پایان ماه آوریل مبارزه برای فرسوده کردن قوای دشمن آسیب‌بخشی بقوای حاضر جنگ فرانسویها وارد آورد؛ با آن همه صرفه جوئی که فرماندهی کل نیروی فرانسه در تأمین کسری قوای جبهه اعمال بینمود، ۵۰ لشکر فرانسوی تا آن موقع درگیر شده بودند. از این روی، طرح بدوی حمله در دفعه نخستین محدود گردید.

در ۲۰ مه، بمناسبت اینکه مسئله تحلیل قوا روز بروز اهمیت بیشتری کسب

میکرد ، در دفعتاً دیگر موضوع تحدید طرح بمیان آمد ، و همین خود میزان شرکت در عملیات را برای فرانسویها محدود نمود : چنانکه تصمیم گرفته شد که ژرال فوش (Foch) فقط با ۲۶ لشکر و ۸۴۰ توپ سنگین از دوست به دُسم ، حماه نماید .

فشار آلمانها در جبهه « وِردن » ، از طرفی درجه شرکت در عملیات مشترک را برای فرانسویها محدود میسازد ، و از طرفی نیز ایجاب می کند حمله متفقین هر چه زود تر شروع گردد ، و در این حمله انگلیسها بخش عمده عملیات را عهده دار گردند . فرمادهی کل نیروی فرانسه ، بدون اینکه بخواهد تاریخ تعرض را جاو بیاندازد ، سعی میکند لااقل تأخیری حاصل نشود . ژرال هایگ (Haig) نیز ، در قبال ارشهای ناآزوده خود ، که چند واحد از آنها در شرف تشکیل شدن بود ، مردد مانده بود . از اینرو ، در ۸ مه درخواست کرد تعرض بتأخیر افتد . در ۲۶ مه ، هر دو ژرال ، یعنی فرماندهان کل نیروی فرانسه و انگلیس ، در « بوشن » (Beauchesne) یکدیگر را ملاقات کردند ، معلوم بود که تعرض روسها برای ژوئن مقرر شده بود . ژرال ژفر حداکثر فرجه و مجالی را که بتوان مابین دو تعرض شرق و غرب قائل گردید ، به ژرال هایگ یاد آوری کرد . و همین خود موافقت و بر ا جلیب نمود . پس تاریخ تعرض ، اتفاق آراء ، برای یکم ژوئیه مقرر گردید .

اینجا هم ، ژرال ژفر استقامت و ثبات اراده ای ، نظیر همان اراده آهنینی که پس از « شارلوروا » (Charleroi) ابراز داشته بود ، نمایش داد . اراده وی از کشمکش های طولای « وِردن » اندک آسیبی هم ندیده بود . ساعت عملیات ، که در هفت ماه قبل تعیین شده بود ، تغییر نکرد . در هر حال نقشه آلمانها ، در زمینه درهم شکستن این اراده ، نوبتاً بافت .

منظور فرمادهی نیروی فرانسه در اجرای برد « دُسم » در تاریخ ۲۱ ژوئن ، در طی « دستوری » ، که ژرال ژفر به ژرال دوگلاس هایگ و ژرال فوش عنوان میکند ، کاملاً مشخص میگردد . نکات عمده این دستور ذیلاً نگاشته میشود :

مقصود نهائی : انتقال توده مانوری روی خط مواصلات دشمن : « کامبره - لو کاتو -

موبوژ ، (Cambrai- le Cateau-Maubeuge) .

مقصود آبی : شکافتن جبهه دشمن در روی محور « بایوم - کامبره » - (Bapaume

. Cambrai)

در این مورد ، دو فرض ذیل بایستی منظور نظر باشد :

الف) در صورتیکه شکافتن جبهه با سرعت میسر گردد (غافلگیری دشمن) :

سوار نظام روی خط مواصلات فوق الذکر حمله ور شود ، سوار نظام انگلیس در

شمال جاده « بایوم - کامبره » ، و سوار نظام فرانسه در جنوب ؛ تأمین پیشروی قوای

عمده در سمت « کامبره » ، در حالیکه جناحها شکاف را توسعه دهند ؛

ب) در صورتیکه دشمن ، بارسانیدن قوای احتیاط ، به پر کردن شکاف

توفیق یابد : در این صورت ، شکافتن جبهه میسر نخواهد شد مگر در موقعی که

شکاف با اندازه کفایت وسیع شده باشد بنحویکه پر کردن آن مقدور نگردد .

پس باید انتظار داشت که قوای متفقین بر دطولای و سطحی در «سم» اجراء کنند ،

ناحدیکه تحلیل وسایل و قوای احتیاطی دشمن منتهی گردد .

از این دستور معلوم میشود نبرد «سم» چه آهنگی داشته است . جز در مورد

امکان غافلگیری (که بمناسبت مشکلات اختفاء مقدمات حمله ، نباید زیاد بدان

متکی گشت) ، شکافتن جبهه ، چنانکه در سپتامبر ۱۹۱۵ فرصت میشد ، در آغاز

ماور میسر نشاء و بلکه نتیجه نهائی ماور میباشد . بنابراین ، نبرد «سم» را ، با

توجه بجزریان واقعی که داشته است ، نباید بمنزله عدم موفقیت در اقدام به

شکافتن جبهه حریف فرصت نمود ، بلکه بایستی آرا مانند نخستین مرحله مانوری

که خانه بافته باشد تلقی کرد .

در نبردی که داشت در گیر میشد ، بمناسبت اهمیت «وردن» ، بخش عمده

عملیات بانگلیسها محول میگردد .

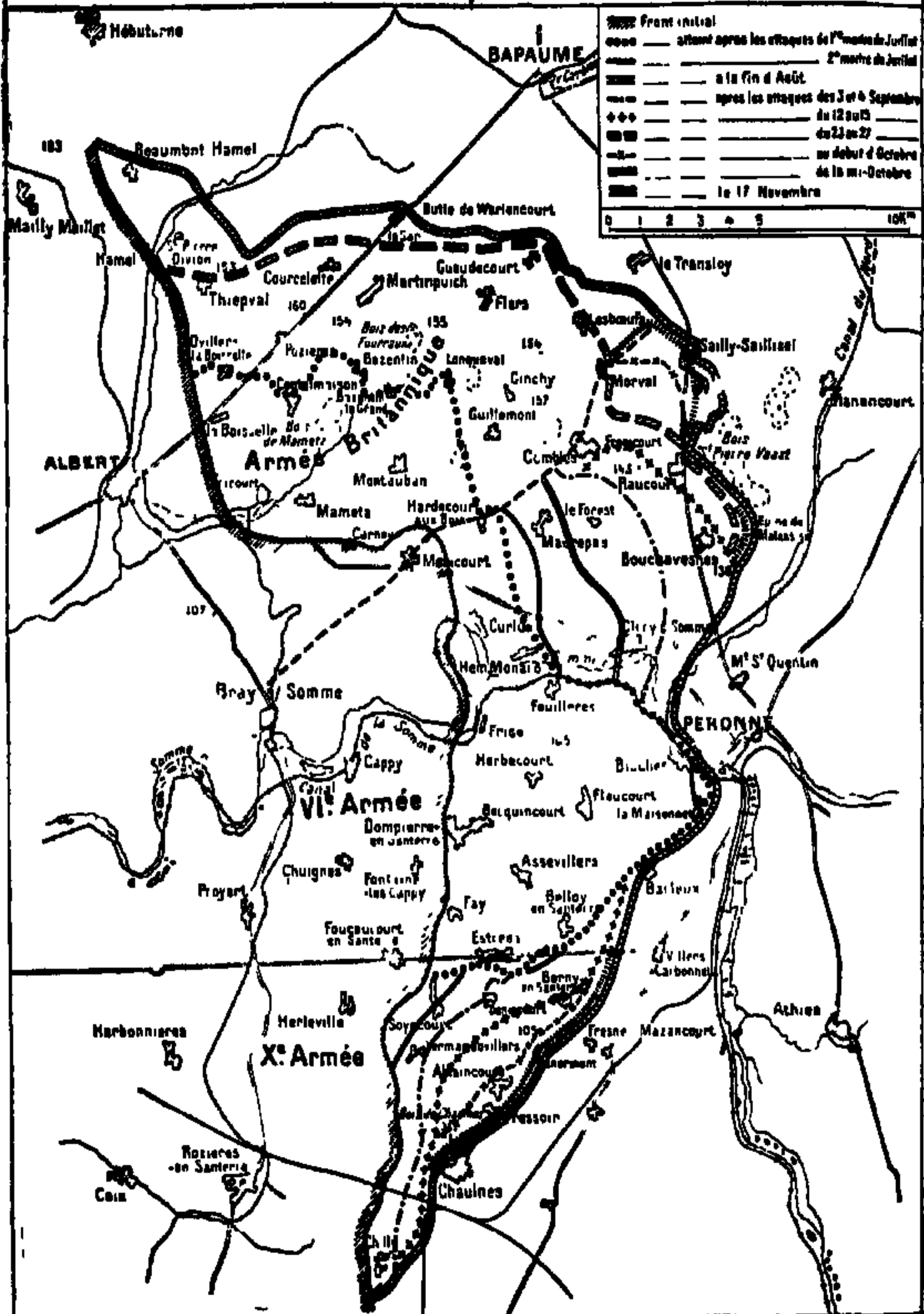
حمله دوجانبه در سمت «س» برای این منظور بود که از حمله انگلیسها پشتیبانی شده باشد. عالی‌الخصوص در جنوب «س» ، تعرض فرانسویها در سمت جلگه «فلوکور» (Flaucourt) برای این بود که از طرفی حفاظت پهلوئی حمله اصلی تأمین گردد ، و از طرفی نیز وسائل پشتیبانی پهلوئی توپخانه ، که ممکن بود پیشروی رو به شمال را بزرگت اندازد ، حذف شوند .

نتایج اولیه کلبه پیش بینی‌ها را زیر و رو کرد . در شمال ، بمناسبت نقص تهیه که از عدم تجربه توپخانه انگلیس و مقاومت خیلی سخت آلمانها ناشی بود ، انگلیسها از مرکز و از جناح چپ آسیب کاملی دیدند ؛ جناح راست آنها و جناح چپ فرانسویها بطرز رضایت بخشی پیش روی می‌کردند . ولی در جنوب رودخانه آلمانها یگانه امیدی که داشتند این بود که بعملیات اغفالی پردازند ؛ در این نقطه ، فرانسویها در مقابل آنها موفقیت کاملی تحصیل کردند . در تاریخ ۴ ژوئیه سوار نظام فرانسو مابین «بارلو» (Barleux) و «بیاش» (Biache) ، در مقابل «پرون» (Péronne) ، مشغول گشت و اکتشاف بود ، شکافی که فرانسویها انتظار داشتند در شمال «س» گشوده شود اینک در جنوب بوجود آمده و تا ۳ روز باز مانده بود .

در مقابل پیشامد چنین وضعیت غیر منتظره‌ای ، فرماندهی گروه ارتشهای حمله تصمیم می‌گیرد از موقعیت استفاده نماید ؛ چنانکه در شب ۳ ژوئیه به ارتش ۶ امر میدهد بجاده «ویلر - کاربونل - استره» (Villers-Carbonnel-Estrées) متوجه گردد ، «تا اینکه آماده باشد ، لدی‌الاقضاء» ، حمله را در جنوب تعقیب کند . پس میبایستی آرایش تدافعی رو به شرق و آرایش حمله رو به جنوب داده شود . چنانکه در حکم ۸ ژوئیه بزمین ضرورت تغییر آرایش تصریح گردیده است ، باین مضمون : «با وضعیت کنونی که داریم بایستی ، بوسیله آمیزش و تشریک مساعی که از شمال و از جنوب بعمل آید ، بسط موفقیت های خود را رو به جنوب تعقیب نمائیم» . فرمانده ارتش ۱۰ (واقعه در جنوب ارتش ۶) اخطار شد که قریباً وسائلی در اختیار وی گذارده خواهد شد تا اینکه حملات از غرب

1914

بروز



.....	Front initial
-----	après les attaques de 1 ^{er} juillet de Juillet
-----	2 ^e moitié de Juillet
-----	à la fin d Août
-----	après les attaques des 3 et 6 Septembre
.....	du 22 au 27
-----	au début d Octobre
-----	de la mi-October
.....	le 17 Novembre

(E.A. André Map)

بشرق را پشتیبانی کند ، در حالی که ارتش ۶ نیز حملات را از شمال بجنوب تعقیب خواهد نمود .

ولی با این وجهه جدیدی که نبرد بخود گرفته بود ، فرانسویها از منطقه عملیات انگلیسها دور افتاده بودند .

در همین موقع ، انگلیسها با حفظ ارتباط خود با قوای فرانسویها ، با تانی درمدخل «لابواسل - فریکور - مایمز» (La Boisselle-Fricourt-Mametz) پیشروی میکردند . در ۱ ژوئیه ، موضع دوم آلمانها ، از «لونگوال» (Longueval) تا «بازانتن اوپونی» (Bazentin - le - Petit) بتصرف درآمد ، در صورتیکه حمله مجدداً رو بشمال متوجه میشد ، بند و بست خط آلمانها در سمت «تیپوال - پوزیر» (Thiepval-Pozieres) در معرض تهدید واقع میشد .

در تحت تأثیر این موفقیت ها ، که اینک توجه باعمال نقشه بدوی را مقدر می ساخت ، فرمانده کل نیروی فرانسه ، در ۳۰ ژوئیه ، مداخله کرده و به ژنرال فُش یادآوری میکند « که تعرض اصلی در شمال بوده ، و تعرض رو بجنوب تعرضی است فرعی و تابع تاجبجی که در شمال عاید گردد . حمله شمال دچار ناتوانی و پراکندگی شد . در ۱ اوت ، فرمانده کل نیروی فرانسه خاطر نشان میکند که « باید برای انگلیسها سرمشق بود و بدین وسیله فعالیت آنها را نگاهداری و تقویت نمود . در ۱۱ اوت نیز ، به ژنرال هایگ تکلیف میکند دیگر بار عمل کلی را تعقیب نماید ، و باز به ژنرال فُش تذکر میدهد که ارتش ۶ عمل اصلی را در شمال « سُم » اجراء کند ، و ارتش ۱۰ به هدایت تعرضی فرعی اکتفاء نماید .

بالاخره ، در ۲۵ اوت ، در دفعه دیگر به ژنرال هایگ مراجعه کرده با اصرار و ابرام بیشتری از او تقاضا مینماید که « ارتشهای انگلیس نیز عملیاتی ، که از لحاظ اهمیت شبیه عملیات ارتشهای فرانسه باشد ، عهده دار شوند و توأم با ارتشهای فرانسه اجرا نمایند .

حمله « سُم » ، در این مرحله اولیه که دو ماه طول کشیده بود ، کیسه عمیقی

در خطوط آلمانها ایجاد نموده بود. فرانسویها ملزومات عمده‌ای بضمیت برده و اسرای زیادی بدست آوردند. و مخصوصاً قوای آلمانها را تا میزان معتابهی به تحلیل برده بودند. ژنرال فن باو (Von Below) «در طی گزارشی بعنوان» گزارش نبرد» از اختلال امور فرماندهی نیروی آلمان صحبت میدارد. در اینجا، موقعیت باریک فرماندهی نیروی آلمان نظیر همان وضعیت سختی بود که در «وردن» فرانسویها با آن مواجه شده بودند.

برای تحصیل نتیجه قطعی، ضربت آخری باقی مانده بود که از طرف متفقین بآلمانها وارد گردد: یعنی هجوم عمومی بر ضد جبهه آلمان، که از نقاط دیگر بهم با ضربتهای سخت و جدیدی مواجه شده بود.

نعرض ایتالیائیها (مقتضای شماره ۲۳)

تصرف گریتسیا (Gorizia) - در ۴ اوت، ارتش ایتالیا در تمام جبهه ایزونسو (Isonzo) تکانی خورد. ایتالیائیها با کمال سرعت تمام جلگه «دوبردو» (Doberdo) را، از «مقالکن تا سان مارتینو» (Montfalcone - San Martino) تصرف نموده، آنگاه دهتاً رو بشمال حمله ور شده بتخریب هر دو رشته استحکامات مقدمی که جبهه دفاع گریتسیا (Gorizia) مستحکم شده بود: [من سن میشل و من سابوتینو (Mont Saint-Michel - Mont Sabotino)] نائل شدند. در شب ۸، ایتالیائیها به گذار زده و از رودخانه «ایزونسو» (Isonzo) عبور کردند، روز ۹، ایتالیائیها به «گریتسیا» داخل شده و پادشاه یز، در روز ۲۱، بشهر ورود نمود. محاربه از تپه‌های جنوبی «گریتسیا» تا دریا، در سمت «تریست» (Trieste)، ادامه داشت.

در ۲۷ اوت، ایتالیا جنگ با آلمان را اعلان نمود.

وردرومانی در جنگ (مقتضای شماره ۲۴)

رومانی هم، در همان روز ۲۷ اوت، به اطریش اعلان جنگ میداد. مداخله رومانی، که مقدمات آن از دیرگامی از لحاظ سیاسی تهیه شده بود، اینک درست